

“فراز و فرود شیخ خزعل” در گفت و گو با عبدالنبی قیم

روزنامه آسیا نیوز

شیخ خزعل نمونه ای تمام قد از یک پادشاه شرقی هزارویک شبی است که در حال گوش سپردن به نوای موسیقی و تماشای رقصی زیبا، دلخوش به شمردن سکه های بی شمار خویش است و همزمان به سلطنت سرزمینی بزرگ تر با سکه هایی بیشتر چشم دوخته است. شیخ خزعل با پشتوانه ثروت افسانه ای خود به عنوان بزرگ ترین مالک خوزستان و وابستگی اش به قبیله ای قدرتمند در زمانه ای پر آشوب سعی در ایجاد حکومتی شبه مستقل در جنوب ایران برای خودش داشت اما امواج پرتلاطم سال های پرحادثه ۱۹۲۵-۱۸۹۷ کشتی تفریحی او را به زیر کشید.

کتاب “فراز و فرود شیخ خزعل” روایتی ثانیه به ثانیه از سال های پرحادثه ۱۹۲۵-۱۸۹۷ خوزستان را ارایه داده است. «عبدالنبی قیم» با مطالعه دقیق اسناد و کتاب های بسیاری کوشیده است تصویری دقیق از اوضاع اقتصادی و اجتماعی خوزستان این سال ها را ارایه دهد. به این ترتیب ما روایتی روی کارآمدن این اعجوبه قبیله ای را مرور خواهیم کرد که با مرگ پدر و به قتل رساندن برادر بزرگ تر به سوی قدرت، خیز برمی دارد و در اندیشه نشستن بر اریکه سلطنت عراق است. کتاب “فراز و فرود شیخ خزعل” نوشته «عبدالنبی قیم» را انتشارات کتاب آمه در ۵۰۰ صفحه و ۱۴ فصل منتشر کرده است. پیش از این کتاب های «فرهنگ معاصر عربی - فارسی»، «فرهنگ میانه عربی - فارسی» و «۵۰۰ سال تاریخ خوزستان» از «عبدالنبی قیم» منتشر شده است.

توجه شما را به مصاحبه ای با استاد **عبدالنبی قیم** درباره این کتاب جلب می کنیم.

۱- چطور شد سراغ شیخ خزعل رفتید؟

پس از انتشار کتاب “پانصد سال تاریخ خوزستان” علاقه مندان و خوانندگان بسیاری ضمن تماس با من خواستار نگارش دوره بعدی یعنی دوره شیخ خزعل بودند و از آن جایی که کتاب پانصد سال تاریخ خوزستان با قتل شیخ

مزعل به پایان می‌رسید از این رو درخواست علاقه‌مندان، درخواست بجا و منطقی بود. علی‌الخصوص این که دوره شیخ خزعل بحث انگیزترین و حساس‌ترین دوره تاریخ خوزستان بود و به دلیل معاصر بودن خوانندگان میل و تمایل وافر برای شناخت این دوره داشتند. از این رو تألیف تاریخ شیخ خزعل در دستور کار قرار گرفت.

۲- آیا شیخ خزعل در پیشرفت و توسعه جنوب موفق بود یا فقط به فکر منافع خودش بود؟

حکومت کردن در یک جامعه قبیله‌ای مشکلات و معضلات خاص خود را دارد، هر قبیله‌ای نغمه خود را ساز می‌کند و تا آن جایی که ممکن است خودسری پیشه می‌کند، از این رو شیخ خزعل در چند جبهه با رقبای دشمنان و... دست و پنجه نرم می‌کرد. او اقداماتی برای مکانیزه کردن کشاورزی و آوردن بذر پنبه از مصر بعمل آورد. در اهواز و در خرمشهر مدرسه تأسیس کرد و بازرگانان را موظف کرد از محل کالاهای وارداتی هزینه مدارس را تأمین کنند. با این وجود او همانند اکثر حکام آن دوره (اگر نگویم تمام حکام) در فکر بسط و تقویت حکومت خویش و زراندوزی بود. و از این نظر نه با پدرش حاج جابر قابل مقایسه است و نه با شیخ سلمان کعبی شیخ خردمند و کاردان بنی کعب.

۳- چرا شیخ خزعل در نهایت شکست خورد؟

پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، تغییرات شگرفی در سیاست انگلیس نسبت به ایران روی داد، آنها به منظور جلوگیری از بسط و گسترش نفوذ بلشویک‌ها به آبهای گرم و به منظور حفظ هندوستان در صدد برآمدن تا در ایران یک دیکتاتوری نظامی برقرار کنند و ایران به عنوان سد و حائلی در برابر نفوذ شوروی باشد. از این رو رضاخان را برسرکار آوردند و این انجام این مهم را به عهده او گذاشتند. آن‌ها سناریو را نوشتند و رضاخان را مأمور انجام آن کردند و با برنامه ریزی دقیق و حساب شده، دست او را گرفتند. در حقیقت اگر انگلیس نمی‌خواست شیخ خزعل هیچگاه شکست نمی‌خورد.

۴- مهم ترین درسی که کتاب "فراز و فرود شیخ خزعل" دارد چیست؟

مهمترین درس این کتاب این است که قدرت و مشروعیت در رضایت و همدلی مردم است، این درست است که در آن دوره استعمار انگلیس سرنوشت حکام، پادشاهان و ملل را تعیین می کرد، ولی با این وجود اگر مردم کشوری یا منطقه ای یا شهری از حاکم خود راضی بوده و با او همدل باشند، استعمار نیز در سیاست های خود این موضوع را مد نظر قرار می داد و بر مبنای آن عمل می کرد.

۵- نظر شما درباره تولید یک سریال درباره شیخ خزعل چیست؟

عالی است، مشروط بر این که حقایق دگرگونه نشود و سناریوی آن با نظر شخص یا اشخاص خبره و بی طرف تهیه شود.